

کشور آمریکا مراحل شفاف‌ی از رشد، اوج گیری و افول را پشت سر گذرانده است. موتور محرکه پیشرفت و افول آمریکا، از ابتدا تاکنون را می‌توان بر اساس دو مفهوم قدرت سخت و قدرت نرم تحلیل کرد. در اینجا تلاش می‌شود بر اساس هر کدام از این دو مفهوم، تحولات آمریکا در یک حد مقاله کوتاه زورنالیستی ارائه گردد.

#### قدرت سخت

قدرت سخت آمریکا، که در شکل جنگ افزایش نظامی و قدرت تخریبی آنها، قابل رویت است، ابتدا بخشی از ماشین نظامی انگلیس بوده است. این ماشین نظامی طی بیش از سه قرن و در زمان سرکوب قبایل سرخپوست و فتح سرزمین‌های جدید، بر اساس بومیان برتری مطلق داشته است و به طور کل، اروپایی‌های مهاجر پیروزی خود را مدیون همین سلاح‌های گرم و آتشین بوده‌اند.

در سال ۱۷۷۶ مستعمره‌نشینان بریتانیا، از این کشور اعلام استقلال کردند و در سال ۱۷۸۳ نیز حاکمیت ایالات متحده بر مناطقی که در حد فاصل کانادا در شمال، فلوریدا در جنوب و رود «می‌سی‌سی‌پی» در غرب قرار می‌گیرند، تثبیت گردید.

اسا، از سال ۱۸۹۰ و زمانی که توجه واشنگتن به آمریکای مرکزی و لاتین معطوف شد، قدرت سخت این کشور به آزمون جدی گذاشته شد. آمریکا در سال ۱۸۹۵ انگلیس را در ونزوئلا کنار زد و در سال ۱۸۹۸ طی یک جنگ ۱۲۳ روزه، اسپانیا را به سختی شکست داد و کوبا، گوام و پورتوریکو را از اسپانیا گرفت و سپس، کشور فیلیپین در آسیا را به مبلغ ۲۰ میلیون دلار، از اسپانیا خرید.

این فتوحات گسترده هم برتری قدرت سخت آمریکا را در دنیای جدید اثبات کرد و هم به سران واشنگتن اعتماد به نفس داد.



در دو جنگ بزرگ جهانی نیز ماشین جنگی آمریکا نه تنها آسیب قابل ذکری ندید، بلکه دو جنگ اول و دوم جهانی برای آمریکا از لحاظ نظامی، به مثل یک زرمایش با هدف تقویت بنیه ارتش از هر نظر می‌مانست و حتی باعث شد که این کشور به سلاح مخرب هسته‌ای دست یابد و قدرت تخریب آن را جلوی چشم جهانیان آزمایش کند. دو جنگ بالا به علاوه، فرست‌های اقتصادی بی‌نظیری را برای آمریکا فراهم کرد. همین عوامل دست به دست هم داده و آمریکا را به یکی از دو ابر قدرت برتر جهان بعد از سال ۱۹۴۵ تبدیل کرده‌اند.

با تحولات دهه‌های بعد، به ویژه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۲، دوره جدیدی برای آمریکا آغاز شد. قدرت سخت این کشور و متحدانش در حمله به عراق (۱۹۹۲) و لشکر کشی‌های پس از واقعه ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ به رخ کل دنیا کشیده شد.

#### قدرت نرم

در ارتباط با آمریکا، قدرت نرم را می‌توان تحت سه مفهوم وحدت، احترام و ترس قرار داد:

سیاست خارجی دولت «جو بایدن» نسبت به افغانستان، تمایز جدی با سیاست خارجی دولت «دونالد ترامپ» دارد. این مسئله به‌ویژه درباره توافق آمریکا و طالبان، منعقدشده در اسفند ۱۳۹۸ مشهود است.
دموکرات‌ها این توافق را قبل‌اورد نقد قرار داده بودند. نگرش دولت بایدن مبنی بر ضرورت حضور نیروهای ویژه برای خراسات از مناطق شهری در برابر حملات طالبان و هم‌چنین حفظ ساختار به‌اصطلاح دموکراتیک و ارزش‌های حقوق‌بشتری، با مفاد این توافق منافات دارد. بنابراین، می‌توان به ارزیابی این مسئله پرداخت که دولت بایدن چه سیاستی در قبال توافق آمریکا با

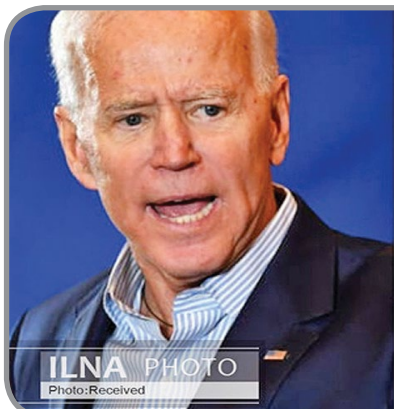
## دریچه‌ای به جهان khareji@kayhan.ir



سبحان محقق

# منابع قدرت در آمریکای جو بایدن

و اقتصادی دوره‌ای هم به شیوه‌های مختلف، از جمله با استفاده از زور، موقتا حل می‌شده‌اند. یکی دیگر از مهم‌ترین ابزار قدرت آمریکا طی دهه‌های گذشته، احترامی بوده است که مردم و سران خیلی از کشورها برای آمریکا قائل بوده‌اند. از نگاه این بخش از مردم دنیا، آمریکا در توسعه دموکراسی و حمایت از حقوق بشر، پیشگام بوده و مهد آزادی بیان و علم است. علاوه‌بر موارد بالا، نفس قدرت برای خیلی‌ها احترام می‌آورد. قدرت نرم برنده‌ترین و خطرناک‌ترین سلاح در دست آمریکا بوده است. زیرا، نه تنها برای این کشور هزینه‌ای نداشته، بلکه کشورها را به اختیار خود از درون قهوه‌ر هژمونی آمریکا می‌کرده است. مولفه دیگری که قدرت نرم آمریکا را تشکیل می‌دهد، ترس بوده است. آمریکا در جنگ‌های خود، معمولا از یک اصل معروف ماکیاوولی بهره می‌برد؛ چنان کشتار کن که همه از تو حساب ببرند. بسیاری از کشورها به دلیل واهمگی که از آمریکا داشته‌اند و دارند، پیشاپیش خودشان را تسلیم این کشور می‌کنند و فرصت نبرد را



سرعت کاهش نیروهای نظامی آمریکایی تأثیر قابل توجهی بر شرایط ژئوپلیتیک مناطق مدنظر در غرب آسیا خواهد گذاشت و می‌تواند به تقویت موقعیت دولت‌ها و گروه‌های مخالف منجر شود. مواضع دیگر کارشناسان سیاسی کابل به چشم دموکرات نیز بر حضور در افغانستان تا نتیجه‌خیز مذاکرات صلح تأکید کرده‌اند.

**نگرش کابل و طالبان به بایدن**
منازعات نظامی میان طالبان و دولت افغانستان کاهش چندانی نداشته، زیرا این گروه با عدم پشتیبانی نظامیان آمریکایی از کابل، نیازی به ارائه امتیازات جدی به دولت نمی‌بیند. در عین

این کشور، حاکمیت را به چالش کشیده‌اند، به طوری که در این حد و اندازه، تا کنون سابقه نداشته است. در آمریکا برای نخستین بار به کنگره حمله شده و باز هم برای نخستین بار، روند انتقال قدرت با حاشیه‌های بی‌سابقه‌ای همراه شده است. اعتراض‌های خیابانی مردم گسترده‌تر شده است و گروه‌های افراطی نیز از یک طرف، دولت و از طرف دیگر، گروه‌های سیاسی و مردم را به چالش کشیده‌اند.

مولفه دیگر قدرت نرم آمریکا، یعنی احترام به این کشور، نیز اکنون به شدت آسیب دیده است. دیگر کسی آمریکا را کشوری صلح‌طلب، حامی حقوق بشر و دموکراسی، مهد علم و آزادی بیان نمی‌داند. مردم جهان در حال حاضر نسبت به سال‌های قبل، تصور معکوسی نسبت به آمریکا دارند. آنها وقتی نام آمریکا را می‌شنوند، به یاد جنگ، لشکر کشی، کشتار، تجاوز و زردی می‌افتند.

پدیده ترس نیز دیگر نمی‌تواند مثل گذشته، جوامع مختلف را مرعوب آمریکا بکند. زیرا همه فهمیده‌اند که آمریکا نه توان نبرد رودر رو را دارد و نه سلاح‌های مخرب صرفا در انحصار این کشور است. مردم کشورهای مختلف دیده‌اند که چهار کشتی ایرانی، علیرغم تهدیدات آمریکا، به مردم محاصره ونزوئلا بنزین رسانده‌اند و واشنگتن هیچ غلطی نتوانست بکند. این اقدام و اقدامات شجاعانه مشابه دیگر ایران، باعث شده است که ملت‌ها مثل سابق، مرعوب آمریکا نباشند.

#### جمع‌بندی

جو بایدن که شخصا هیچ صفت متمیزه‌ای ندارد، در شرایطی به قدرت رسیده است که کشورش مهم‌ترین منابع قدرت خود را از دست داده است. او به عنوان رئیس‌جمهور آمریکا، مثل اسلاف خود، باید از قدرت نرم نهایت بهره را برای حفظ و تقویت منافع نام مشروع آمریکا ببرد. اما،



به اختیار، از خود سلب می‌کنند. در این مورد، مثال‌های فراوانی وجود دارد و بهترین نمونه از این نوع کشورها در حال حاضر، عربستان و شیخ نشین‌های خلیج‌فارس هستند.

#### آمریکای دوره جو بایدن

خوشبختانه، طی دهه‌های اخیر و به ویژه در دوره ریاست جمهوری «دونالد ترامپ»(۲۰۱۶–۲۰۲۰) ضربات مهلکی به قدرت نرم آمریکا وارد شده است. شکاف‌های اجتماعی عمیق در این لحاظ، خلق سلاح است. در خبرها می‌شنویم که بایدن قصد دارد، حمایت از عربستان را در جنگ یم، قطع کند. اما همزمان به نقل از رئیس‌جمهور آمریکا می‌شنویم که این کشور به حمایت از آل‌سعود ادامه خواهد داد! همین دو رویکرد سیاسی به اصطلاح متضاد، در سر درگمی بایدن به خوبی بهره بر می‌دارد؛ از یک طرف، او سعی می‌کند، قدرت نرم آسیب دیده آمریکا را ترمیم کند، و از طرف دیگر، با حمایت از رژیم دیکتاتوری عربستان، به قدرت نرم آمریکا (درخصوص توسعه دموکراسی و…) ضربه می‌زند!

در ارتباط با بهره‌گیری از قدرت سخت نیز بایدن هیچ شانسسی ندارد و نمی‌تواند لشکرکشی‌های آمریکا در دهه‌های اخیر را تکرار کند.

با این تفاسیل، به نظر می‌رسد که ایالات متحده، روزهای اوج خود را پشت سر گذاشته است و باید از بلند پروازی‌های سابق، فاصله بگیرد.
مطلوب طالبان نیز ندارد. به همین دلیل پس از پیروزی بایدن، سرور دانش، معاون دوم ریاست جمهوری افغانستان از او خواست در روند مذاکرات با گروه طالبان بازنگری کند. این امیدواری در مواضع دیگر کارشناسان سیاسی کابل به چشم می‌خورد. کابل بدون حمایت نظامی، امنیتی و اطلاعاتی آمریکا فاقد ابزارهای فشار برای تمکین طالبان به مفاد توافق‌نامه است. پس طبیعاً سعی خواهد کرد با تکیه بر ارزش‌های لیبرال‌دموکراسی و به‌ویژه حقوق بشر، مسائل زنان و انتخابات، از رویکرد حزب دموکرات نسبت به این موارد برای کسب حمایت بیشتر، بهره‌برداری کند.



#### سناریوی محتمل

تمایز رویکرد بازیابی «هزبری جهانی غرب» توسط آمریکا در دولت بایدن با «اول آمریکا»ی دولت ترامپ، سبب می‌شود رویکرد جدیدی نظامیان آمریکایی در میان‌مدت را بر خروج نیروها در کوتاه‌مدت ترجیح دهد، مشخص نیست، علاوه‌بر اینکه به نظر می‌رسد مواضع حمایت‌آمیز دولت بایدن از دولت افغانستان و یافشاری بر برخی اصول و ارزش‌های لیبرالی، روند مذاکرات و ادداست مذاکره و آتش‌بس کامل میان این گروه و نیروهای نظامی و امنیتی افغانستان تغییر بد، ولی خروج کامل را طبق برنامه زمان‌بندی‌شده توافق ترامپ با طالبان انجام ندهد، بلکه منوط به نتیجه‌بخش بودن مذاکرات و برقراری صلح میان طالبان و دولت نماید. در عین حال که بایدن برخلاف ترامپ، تلاش دیگری تمایلی به اجرای توافقی

صفحه ۸

پنج‌شنبه ۲۳ بهمن ۱۳۹۹

۲۸ جمادی الثانی ۱۴۴۲ - شماره ۲۲۶۸۳

# سه چالش عمده بایدن در قبال اقتصاد جهانی

تحلیلگران با توجه به تأثیر گذاری تصمیم‌گیری‌های دولت جدید آمریکا بر اقتصاد جهانی، حل و فصل سه موضوع تعیین اولویت‌های داخلی و خارجی، نوع نگرش به توافقات بین‌المللی پیشین و حل چالش‌ها با چین را در بهبود اوضاع اقتصادی جهان و واشنگتن ضروری می‌دانند.

«جو بایدن» در اولین روز کاری ۱۷ دستور اجرایی در حوزه‌های مختلف صادر کرد که به صورت عمده بر مسائل داخلی ایالات متحده متمرکز داشت. طبق اظهارات بایدن و نزدیکان وی، در شرایط کنونی کاخ سفید بیشتر انرژی خود را بر حوزه‌های داخلی متمرکز کرده است.

در همین راستا، بایدن در همان روز نخست اقداماتی را انجام داد. او استراتژی زمان جنگ را برای مقابله با همه‌گیری ویروس کرونا اعلام کرده است. گزارش روزنامه «نیویورک تایمز» نیز حکایت از آن دارد که بایدن از استراتژی ملی رونمایی کرد که ترامپ در برابر آن مقاومت می‌کرد.

به نوشته این روزنامه راهبرد ۲۰۰ صفحه‌ای بایدن به طیف وسیعی از بحران‌های فوری آمریکا در حوزه تولید واکسن، توسعه روش‌های درمانی و تقویت تجهیزات پزشکی به ویژه در جوامع غیرسفیدپوست می‌پردازد. گذشته از این موضوع، در هر صورت اما بزگرمی اقتصاد و قدرت و نفوذ آمریکا، نقش و جایگاهی خاص را به تصمیم‌گیری‌های کاخ سفید حتی در حوزه داخلی می‌دهد زیرا اثرات آن در جهان مشاهده می‌شود. یکی از این حوزه‌ها تصمیمات اقتصادی دولت بایدن برای عرصه داخلی این کشور است که به طور قطع برای دیگر کشورها و اقتصاد جهانی مهم ارزیابی می‌شود.

انندیسکده «مرکز مطالعات بین‌المللی و راهبردی» در گزارشی به بررسی راهبردهای کلان چهل و ششمین رئیس‌جمهوری آمریکا پرداخت و گنجهش از مسائل سیاست بین‌الملل به چالش‌های مهم دولت بایدن در حوزه اقتصاد داخلی و پیوند آن با تحولات اقتصادی بین‌المللی اشاره کرده است. این اتاق فکر آمریکایی در تحلیل خود با نگاهی کلان، سه تنش مهم کاخ سفید بایدن در سیاست اقتصاد بین‌المللی را بررسی کرده است که در بخش ذیل به آنها می‌پردازیم:

اقتصاد بین‌المللی از جمله حوزه‌های سیاست خارجی ایالات متحده است که باید منتظر فاصله بسیار زیادی میان دوره بایدن و ترامپ در آن باشیم. در این شرایط موضوع‌هایی همچون میزان حساسیت‌ها در مورد کسری تجاری یا کاهش تعرفه، نداشتن تعهد بیشتر به حل و فصل مشکلات در چارچوب چندجانبه یا ایجاد یک فرایند سیاستگذاری منضبط‌تر مطرح می‌شوند. باید گفت که دولت بایدن به طور کامل متفاوت از رئیس‌جمهوری قبلی عمل خواهد کرد. اما سه حوزه در سیاست اقتصاد بین‌المللی وجود دارد که در آن برای بایدن انگیزه‌هایی متناقض می‌توان تصور کرد. تازمانی که چنین تنش‌هایی حل و فصل نشوند، این خطر وجود خواهد داشت که این بخش مهم از سیاست‌ها در دولت جدید آمریکا از فرم قبلیاش.

#### تعیین اولویت داخلی و خارجی

اولین تنش برای دولت بایدن تعیین اولویت اقتصادی در حوزه‌های داخلی و خارجی است. رئیس‌جمهوری بایدن در کارزار انتخاباتی، انتصاب نیروها و پیشنهادات ابتدایی در زمینه قانونگذاری آشکارا اظهار داشت که بازسازی اقتصاد داخلی برای دولت وی اولویت شماره یک به شمار می‌رود. این تصمیم بانوجه به وضعیت بحرانی که وی با آن روبرو است یعنی همه گیری کووید ۱۹، وضعیت نامناسب اقتصادی، بی‌عدالتی نژادی و اختلافات سیاسی فتنه انگیز اتخاذ شده است. رئیس‌جمهوری جدید گفته است هیچ وقتی را برای احیای انسجام در ایالات متحده و از سرگیری تعاملات و کوشش‌ها در چارچوب موسسات چندجانبه‌ای دست نخواهد داد.

این اولویت‌ها از نظر دولت آمریکا لزوماً در تعارض نیستند. در واقع تبع بایدن عبارت «سیاست خارجی برای طبقه متوسط» را به صورت کامل هدف گرفته است و از این منظر بر تعامل بین‌المللی، اقتصادی و… در دولت جدید در خدمت بازسازی داخلی به ویژه بهبود وضعیت کارگران آمریکایی متمرکز می‌کند. اما در جزئیات عوامل دردرس زیادی وجود دارد که باید روی آنها کار شود.

وقت و سرمایه یک رئیس‌جمهور محدود است و اولویت بندی‌های داخلی و خارجی ممکن است شرایط را پیچیده و شلوغ کند. رخدادها در صحنه جهانی – چه آنهایی که از قبل در تقویم وجود داشتند همچون نشست‌های بین‌المللی با بحران‌های ناگهانی – مواردی هستند که می‌توانند باعث حواس پرتی رئیس‌جمهور از سیاست داخلی شوند.

به صورت اساسی‌تر برخی از عناصر طرح بهبود اوضاع در داخل می‌توانند با اولویت‌های بین‌المللی بایدن در تضاد قرار بگیرند. به عنوان نمونه تعهد برای خرید کالای آمریکایی می‌تواند در تضاد با تلاش‌های دولت در زمینه بازسازی روابطش با متحدان ایالات متحده باشد. این متحدان خواستار سهم عادلانه‌ای از سرمایه‌گذاری‌های جدید در زیرساخت، نوآوری و بازار هستند.

سازگار کردن این اولویت‌ها متناقض نیازمند آن است که کاخ سفید بایدن نظم و انضباط دقیقی را در روند کاری خود اعمال کند تاطمینان حاصل کند که کوشش‌های گوناگون سیاستگذاری به صورت هماهنگ در حال انجام وظیفه هستند. اما این امر با توجه به انبوهی از مقامات درشدی که در پست‌های مختلف کاخ سفید منصوب شده‌اند (که هر یک دستور کار سیاسی و منافع خود را دارند) ممکن است تضادهایی را به همراه داشته باشد.

یک کام مهم دیوانسالارانه آن است که وظیفه هماهنگی اقتصادی بین‌المللی را یک معاونت پر قدرت در کاخ سفید انجام دهد که گزارش‌ها را سپس به «جیک سالویان» مشاور امنیت ملی و «برایان دیز» رئیس‌شورای اقتصاد ملی ارائه می‌کند. مطلع بودن از وضعیت متحدان در برنامه‌ریزی برای بازسازی اوضاع داخلی سودمند خواهد بود.

#### توافقات اقتصادی قبلی

تش دوم در سیاست اقتصادی بین‌المللی جو بایدن بین ناخشنودی دولت جدید از مذاکرات تجاری سنتنی و تمایل برای برقراری دوباره رهبری ایالات متحده به ویژه در منطقه اقیانوس آرام و هند (Indo-Pacific) در نوسان است.

بایدن و تیمش به عنوان برگزیدگان انتخابات، آب سردی را بر روی ایده اقدام زدهنگام دولت جدید برای مذاکره در مورد توافقنامه‌های تجاری پیشین ریختند. به صورت ویژه آنها بی‌علاقگی خود به پیوستن دوباره به مشارکت ترانس پاسیفیک (TPP) را نشان دادند که توافقنامه‌ای فرامنطقه‌ای با ۱۱ متحد و شریک آمریکا است که در دوره دولت «باراک اوباما» برای آن مذاکره شد اما از سوی «دونالد» ترامپ کنار گذاشته شد. تقریباً همه کارشناسان مسائل آسیا در واشنگتن با این نظر موافقت که یک راهبرد کار آمد ایالات متحده در هند و اقیانوس آرام باید شامل سیاست اقتصادی و تجاری مورد اطمینان و موثقی باشد. متحدان و شرکای منطقه‌ای از حضور امنیتی ایالات متحده به عنوان یک نیروی تثبیت‌کننده استقبال می‌کنند اما آنها همچنین از واشنگتن می‌خواهند که برای تقویت همکاری اقتصادی در منطقه مشارکت فعالی داشته باشد. اگر ایالات متحده قصد ندارد بار دیگر به مشارکت ترانس پاسیفیک بپیوندد، متحدان و شرکا از واشنگتن انتظار دارند یک راهبرد اقتصادی جایگزین و جذابی را برای منطقه ارائه دهد.

فشار روی دولت بایدن برای اعلام این راهبرد با نزدیک شدن به اجلاس‌های سالیانه آسیا در پانزیر سال ۲۰۲۱ بیشتر خواهد شد.اجلاس سالیانه همکاری اقتصادی آسیا و اقیانوسیه (APEC) در ماه نوامبر با نشان دادن علاقه بندی بلندمدت ایالات متحده برای پیوستن دوباره به طرح ترانس پاسیفیک با شرایط مناسب، به ایجاد قوانین و هنجارهای تازه در حوزه‌های اصلی منجر می‌شود.

یکی از این حوزه‌ها اقتصاد دیجیتال است که در آن نیاز مبرمی به قوانین مشترک در زمینه اطلاعات و تجارت الکترونیک وجود دارد. بایدن می‌تواند پیشنهاد دهد که اقدامات موجود در ترانس پاسیفیک و آپک و توافقنامه تجارت دیجیتال میان ایالات متحده و ژاپن در قالب یک توافق دیجیتال جامع مورد توجه قرار می‌گیرد.

#### مدیریت چالش‌ها با چین

سومین تنش رویارویی آمریکا با چین است. رئیس‌جمهوری بایدن تصریح کرد که وی موافق ارزیابی دولت ترامپ از چین است که این کشور را یک رقیب راهبردی آمریکا عنوان کرد. مشاوران برجسته‌ای همچون جیک سالویان و «کورت کمپبل» هماهنگ‌کننده هند و اقیانوس آرام، هیچ توهمی را در مورد چالشی که پکن برای منافع ایالات متحده در هند و اقیانوس آرام و فراتر از آن ایجاد می‌کند، ندارند. دولت بایدن از سیاست‌هایی پشتیبانی می‌کند که منجر به جدایی انتخابی دو اقتصاد به ویژه در حوزه فناوری می‌شود حال آنکه وی نسبت به رئیس‌جمهوری قبلی مواضع تندتری را در زمینه سرکوب حقوق بشر و دموکراسی در سین کیانگ، دیگر مناطق اتخاذ خواهد کرد.

همزمان دولت بایدن احساس می‌کند مجبور است برای مقابله با چالش‌های جهانی که چین همزمان بخشی از مشکل و راحل است، با پکن تعامل داشته باشد. این موارد شامل شیوع کرونا، تغییرات اقلیمی، گسترش سلاح‌های هسته‌ای است. همراهان بایدن در مسیر پرداختن به این مسائل تلاش دارند تا کانال‌های ارتباطی دیپلماتیکی را با پکن برقرار کنند که در دوره ترامپ قطع شده بود.

نگرانی عمده آن است که محرک‌های تعامل با تقابل با پکن در نهایت تلاش‌ها در هر دو مسیر را تضعیف کند. یک نگرانی مهم در واشنگتن آن است که «جان کری» به عنوان نماینده ویژه رئیس‌جمهوری در زمینه تغییرات آب و هوایی ممکن است برای اطمینان پیدا کردن از همکاری چین، به این کشور امتیازات تجاری یا حقوق بشری را بدهد. برخی دیگر اما این نگرانی را ناپایا می‌دانند و تیم بایدن را در زمینه منافع و ارزش‌های آمریکا در مقابل چین می‌پروا و بدون تزلزل ارزیابی می‌کنند.

چند موضوع در زمینه حفظ موازنه رقابت و همکاری با چین وجود دارد که باید رعایت شود. نخست اینکه همکاری با پکن در زمینه بهداشت جهانی و آب و هوا از طریق سازمان‌های چندجانبه جهانی و گروه ۲۰ در حال انجام است حال آنکه استفاده از کانال‌های دوجانبه به پکن فرصت مطرح کردن مباحث تجاری، اقتصادی و حقوق بشری را می‌دهد. برای مدیریت این توازن، دولت بایدن باید کانال‌های غیرسرمی و سطح بالایی را با مقامات ارشد دو کشور که در دوره اوباما وجود داشت، دوباره فعال سازد. امروزه این گروه شامل جیک سالویان، کورت کمپبل، برایان دیز از سوی آمریکا و «یانگ چیچی» و «لیو هی» مشاوران ارشد اقتصادی «شی چین پینگ» می‌تواند باشد.

با نگاه به اصول فرایندی و چشم‌انداز راهبردی، دولت بایدن باید قادر باشد سه تنش فوق را حل و فصل کند. بدون رفع آنها، این خطر وجود دارد که سیاست اقتصادی بین‌المللی ایالات متحده با تناقض‌های داخلی در هم بریزد و ناکارآمد شود.

منبع: خبرگزاری جمهوری اسلامی